

ORIGINAL ARTICLE

Analysis of tax relations of Songhor owners with the central government in the late Qajar period and Reza Shah's government

Toktam Yarmohammadi^{1*}, Friborz Veisi²

¹ Assistant Professor, Department of History, Payame Noor, Tehran, Iran.

² PhD student of Iran's history after Islam, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Correspondence

Toktam Yarmohammadi

Email: t.yarmohammadi@pnu.ac.ir

How to cite

Yarmohammadi, T. & Veisi, F. (2022). Analysis of tax relations of Songhor owners with the central government in the late Qajar period and Reza Shah's government. *Iran Local Histories*, 11(1), 69-90.

ABSTRACT

Songhar and Keliyai is one of the fertile areas in Kermanshah that was considered by some influential families of this government during the Qajar period. They bought a lot of land in the area by buying people's property for a small price. Two of the great landowners of this region are Abdul Hussein Farmanfarma and Amanullah Khan Fath al-Sultan, the former being the Qajar prince and the latter one of the elders of the Sanghar district. Due to the financial crisis and the outbreak of the First World War, these landowners in the late Qajar period avoided timely payment of their land taxes. The government often appeased these people, but after the coup of 1299, especially after the prime ministership and reign of Reza Shah, they were severely audited. The main question of the present study is why the landowners in Sanghar had tax debts and how the Qajar and Pahlavi governments dealt with this issue. This research has been done by descriptive-analytical method and its reliance is on the documents related to two of the major landowners of Songor region. The findings of the study indicate that the owners of the Qajar period, due to the exemptions provided by the government and the influence they had in the court, refused to pay their taxes on time. But early in Reza's reign and reign, due to his need to fund his extensive reforms and renovations through taxation and his greed to seize their fertile lands, these landlords were severely audited.

KEYWORDS

Songhar, landlords, tax, Qajar, Pahlavi.

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

واکاوی مناسبات مالیاتی مالکین سنقر با حکومت مرکزی در اواخر دوره قاجاریه و دولت رضاشاه

تکتم یارمحمدی^{۱*}، فریبرز ویسی قلعه گلینه^۲

چکیده

سنقر و کلیایی یکی از مناطق حاصلخیز در کرمانشاه است که در دوره قاجار مورد توجه برخی از خاندان‌های متنفذ این حکومت قرار گرفت. آنها آن‌ها با خرید املاک مردم به بهای اندک، صاحب زمین‌های فراوانی در این منطقه شدند. دو تن از ملاکین بزرگ این منطقه، عبدالحسین فرمانفرما و امان‌الله خان فتح‌السلطان بودند که اولی شاهزاده قاجاری و دومی از بزرگان منطقه کلیایی سنقر است. این ملاکین در اواخر دوره قاجار به علت بحران‌های مالی و وقوع جنگ جهانی اول از تسویه به موقع مالیات اراضی خود شانه خالی کردند، دولت نیز با این افراد غالباً رویه مماشات را در پیش می‌گرفت، اما پس از کودتای ۱۲۹۹ ش. به ویژه بعد از نخست‌وزیری و پادشاهی رضاشاه، حسابرسی شدیدی از آنها به عمل آمد. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که چرا ملاکین متنفذ سنقر بدهی مالیاتی داشتند و حکومت‌های قاجار و پهلوی اول با این مساله چگونه برخورد کرد؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و تکیه آن بر اسناد مربوط به دوتن از ملاکین بزرگ منطقه سنقر است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ملاکین دوره قاجار با توجه به معافیت‌هایی که حکومت برای آنها آن‌ها در نظر گرفته بود و نفوذی که در دربار داشتند، از تسویه به موقع مالیات‌های خود امتناع می‌کردند، اما در اوایل دوره نخست‌وزیری و پادشاهی رضاشاه با توجه به نیاز او برای تأمین بودجه اصلاحات و نوسازی‌های گسترده خود از طریق مالیات‌گیری و نیز طمع وی به تصاحب اراضی حاصلخیز آنها، آن‌ها، حسابرسی شدیدی از این ملاکین صورت گرفت.

واژه‌های کلیدی

سنقر، ملاکین، مالیات، قاجار، پهلوی.

^۱ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
^۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

نویسنده مسئول:

تکتم یارمحمدی

رایانامه: yarmohamadi@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

یارمحمدی، تکتم و ویسی قلعه گلینه، فریبرز (۱۴۰۱). واکاوی مناسبات مالیاتی مالکین سنقر با حکومت مرکزی در اواخر دوره قاجاریه و دولت رضاشاه. فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران.

۱۱(۱)، ۶۹-۹۰

مقدمه

اختصاصی در کرمانشاه (پهلوی اول)»، کرمی و رحمانیان (۱۳۹۸) و «عبدالحسین میرزا فرمانفرما» تبریزی‌نیا تبریزی (۱۳۸۲)؛ صورت گرفته است که با وجود اشاره به مناسبات سیاسی و اقتصادی خاندان‌های بزرگ قاجار با حکومت و ارکان اداری آن، به هیچ‌کدام از یافته‌های پژوهش حاضر اشاره ندارند. بنابراین پژوهش پیش‌روی با مدّ نظر قرار دادن تمام تحقیقات گذشته تلاش دارد مباحث تازه‌ای را در این مورد بررسی و تحلیل کند.

زمینداری و چالش‌های مالیاتی در دوره قاجار

زمینداری و مالکیت در دوره قاجار را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱. زمین‌های شاهی که در اختیار شاه و حکومت بود و به آن خالصه نیز می‌گفتند. ۲. زمین‌های اربابی که در مالکیت زمینداران بود. ۳. زمین‌های وقفی که در اختیار مؤسسات مذهبی قرار داشت. ۴. زمین‌های دهقانی که در تملک تولیدکنندگان مستقیم بود (سیف، ۱۳۷۳: ۶۵-۶۶).

در دوره ناصرالدین‌شاه و جانشین او مظفرالدین‌شاه با توجه به نیازی که به پول داشتند، بخش زیادی از اراضی خالصه را با این عقیده که اگر به‌صورت خصوصی اداره شوند، توسعه بهتری خواهند یافت، فروختند. میزان فروش اراضی خالصجات براساس درآمد سه سال گذشته تخمین زده می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۲۰). مالکان جدید حق فروش این املاک را نداشتند و ممکن بود زمانی دولت این زمین‌ها را از آن‌ها پس بگیرد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۸۷).

به‌دنبال این رویکرد، بزرگ مالکی بیش از گذشته رشد کرد. آن‌ها با صادرات محصولات کشاورزی به‌صورت پول نقد، از قدرت اقتصادی بالایی برخوردار شدند و دربار نیز وسوسه شد مالیات را به‌جای تمیین تیول، مستقیماً جمع‌آوری کند. مالکان هم به همین علت در صدد تبدیل اراضی وقفی و تیول به اراضی خصوصی بودند و هرکجا که راه داشت تسلط خود را بر دهقانان افزایش داده و یا املاک آن‌ها را غصب می‌کردند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۱۹؛ سیف، ۱۳۷۳: ۶۵).

به این ترتیب در اوایل قرن بیستم مصادف با اواخر دوره قاجار اوضاع دهقانان رو به سختی نهاد و حقوق سنتی آن‌ها از بین رفت. اکثر روستاها به مالکیت مالکان درآمد. قرض و وام افزایش یافت و بیشتر دهقانان به‌تدریج به‌صورت اجاره‌داران بی‌زمین درآمدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۶). زمین‌داران جزء نیز همواره از اجحافات مالیاتی رنج می‌بردند. دولت‌آبادی در این باره می‌نویسد، مردم بی‌نوا علاوه بر مالیات معمول باید مالیات‌هایی را که به بهانه‌های مختلف اعمال می‌شد، پرداخت کند و صاحبان ثروت و قدرت نیز با

در دوره قاجار کسب درآمد از طریق اخذ مالیات فرازونشیب‌های زیادی داشت و قانون منظمی برای آن وجود نداشت.^۱ عده‌ای همچون ملاکین بزرگ و افراد منتسب به خاندان قاجار به‌راحتی از دادن مالیات شانه خالی می‌کردند و عده‌ای دیگر مانند مردم عادی و خاندان‌های ناهمسو با قاجار از اجحافات مالیاتی و ظلم و تعدی مأموران مالیاتی صدای تظلم‌خواهی سر می‌دادند. این چالش‌ها در اواخر دوره قاجار که احمدشاه سایه قدرت‌طلبی رضاخان را بر روی سلطنت خود حس می‌کرد، بیشتر شد، زیرا رضاخان در راستای نوسازی امور مالیه و تأمین هزینه‌های اصلاحات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق مالیات‌گیری، خواستار حسابرسی کامل و بدون اغماض از ملاکین **متنفذ** و بزرگ ایران بود و در پاره‌ای از موارد املاک آن‌ها را با شگردهای خاصی به خود منتقل می‌کرد. مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی علل و عواملی است که زمینه بدهی مالیاتی را برای ملاکین **متنفذ** دوره قاجار فراهم می‌آورد و شیوه‌های برخورد با این بدهی‌های مالیاتی در دو حکومت قاجار و پهلوی اول است. سوالات این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چرا ملاکین منطقه سنقر در دوره قاجار بدهی مالیاتی داشتند؟ ۲. شیوه‌های وصول مالیات در دو حکومت قاجار و پهلوی اول چگونه بود؟ با توجه به اهداف پژوهش انتظار می‌رود روش‌های مالیات‌گیری و مناسبات ارضی مالکان با حکومت‌های قاجار و پهلوی بررسی شود و بخشی از اسناد مرتبط با ملاکین بزرگ سنقر در این دوره‌ها مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد.

در ارتباط با این موضوع تاکنون تحقیق جامع و

مستندی صورت نگرفته است، ولی در سال‌های گذشته تحقیقاتی انجام گرفته که بخشی از آن به اوضاع مالی و شیوه‌های مالیات‌گیری و نیز عملکرد سیاسی و اقتصادی فرمانفرما و فتح‌السلطان مربوط می‌شود. کتاب‌هایی با موضوع: «جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان» نوشته سلطانی (۱۳۷۳)؛ «کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن» اثر افشار سیستانی (۱۳۸۱)؛ «کرمانشاهان در عصر قاجار» از بیگلری، در این آثار، تاریخ و جغرافیای کرمانشاه در یک دوره طولانی بیان شده است، هرچند که در بخش‌هایی از آن تلاش شده در مورد مناسبات اقتصادی مالکین بزرگ با حکومت قاجار و پهلوی اول مطالبی ارائه گردد، ولی این مطالب به‌صورت کوتاه و سطحی بیان شده و توجه عمیقی به آن نشان داده نشده است. در این حوزه مقالاتی نیز با عناوین «مالکیت

۱. برای اطلاع بیشتر رک: (شمس، بی‌تا: ۵۲-۶۴).

برخی از رجال سیاسی و سران مشروطه نظیر محمد ولی‌خان تنکابنی و ناصرالملک با وجود داشتن املاک و دارایی و درآمدهای کلان از پرداخت مالیات به خزانه دولت طفره می‌رفتند (بزرگ امید، ۱۳۶۳: ۲۱۲).

در مقابل، قاجارها روش‌های سختگیرانه‌تری برای وصول مالیات از مخالفان خود به کار می‌بردند و اجحافات متعددی بر آن‌ها روا می‌داشتند. یکی از این مخالفان خاندان زندیه بود که از زمان انقراض بوسيله آقامحمدخان تا پایان دوره قاجار با وجود کم‌خطر بودن برای حکومت، مورد اجحاف قرار می‌گرفتند. آن‌ها بعد از تبعید توسط آقامحمدخان، چه در ملایر؛ سکونتگاه آباء و اجدادیشان و چه در قم مورد اجحافات زیادی قرار گرفته و سران آن‌ها با ارسال نامه‌هایی متعدد از دولت درخواست رسیدگی به اجحافات صورت گرفته علیه آن‌ها را دارند، هرچند که وزارت مالیه به اداره مالیات دستور رسیدگی می‌دهد (ساکما، شماره ردیف ۲۳۰۰۲۳۲۵، محل در آرشیو ۸۱۴ت۵آح۱)، اما در نهایت مسئولان این اداره تخفیفی برای اراضی خوانین زندیه قائل نیستند و اجحافات در طول این دوره ادامه دارد (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۲۱۰۶۱، محل در آرشیو ۳۱۱ت۱ب۱).

به این ترتیب دوران اولیه قاجاریه در زمینه مالیات ارضی و اداره کردن آن را می‌توان ناشی از انحطاط، سوءتدبیر، ظلم و ناامنی دانست. بعد از برقراری حکومت مشروطه در ایران قوانینی در زمینه مالیه تدوین گردید و اوضاع را تا حدودی قانونمند کرد. به این شکل که بودجه وزارتخانه‌ها براساس مالیات‌های به‌دست‌آمده، تخصیص می‌یافت (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۸۴، ۳۳۲). این امر موجب اهتمام بیشتر همه نهادهای حکومت در امر مالیات‌گیری می‌شد.

سیاست‌های زمینداری و مالیاتی رضاشاه

رضاخان از اردیبهشت سال ۱۳۰۰ش. که به عنوان وزیر جنگ وارد دولت قاجار شد، تلاش گسترده‌ای را برای نوسازی و اصلاح نهادهای نظامی، مالی، فرهنگی، آموزشی و صنعتی کشور به کار گرفت. سیاست‌های او در رابطه با مالکیت، زمینداری، مالیات‌گیری و روابط با خوانین و **متنفذین** محلی حول چندمحور جریان داشت؛ ابتدا وی با نوسازی نهادهای مالی برای بهبود امر مالیات‌گیری و متعاقب آن تأمین بودجه، اصلاحات گسترده‌اش را شروع کرد. در سال ۱۳۰۱ش. با تصویب مجلس یک هیئت ۱۶ نفری آمریکایی به رهبری آرتور میلسپو برای اصلاح امور مالی استخدام شد. این هیئت مسئولیت تمام امورات مالی را برعهده گرفت. از نظر میلسپو در مدت حضور آن‌ها، اداره مالیه به‌طور کلی سازماندهی شد، بسیاری

واسطه‌هایی که داشتند بر آن‌ها ظلم و ستم روا می‌داشتند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱/۱۰۰).

علاوه‌بر آن اغتشاشات و عدم ثبات سیاسی در دوره قاجار جریان وصول مالیات را با مشکل مواجه می‌کرد و از طرف دیگر به بزرگ مالکان، زمینداران، تجار و اشراف امکان می‌داد که از پرداخت مالیات شانه خالی کنند. در واقع نپرداختن مالیات از طرف رجال قاجاری را می‌توان متأثر از ارتباطات تنگاتنگ و پیچیده فامیلی و ایلاتی جامعه ایران دانست (شمس، بی‌تا: ۵۴). به این موارد باید بخشودگی‌های مالیاتی شاهان قاجار نسبت به زمینداران و حکام ایالات در ازای خدمات آن‌ها را نیز اضافه کرد (کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۷).

مستوفی، حرص و طمع عمال حکومتی در دریافت مالیات از مردم را بزرگ‌ترین مشکل حکومت قاجار می‌داند. به این شکل که حکام ایالات از زیردستان خود مالیاتی بیش از آن چیزی که دولت تعیین کرده بود، می‌خواستند. آن‌ها هم ناگزیر بودند بر بلوک‌باشی و آن‌ها هم بر کدخدایان روستاها مالیات بیشتری تحمیل کنند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/۱۰۱).

افرادی مانند عین‌السلطنه^۱ و اعتصام‌الملک نیز با وجود اینکه خود از خاندان حکومتگر قاجار بودند در خاطراتشان به صراحت از ظلم بر مردم و اجحافات مالیاتی سخن می‌رانند (ر ک: عین‌السلطنه، ۱۷۴: ۱/۴۴۸؛ اعتصام‌الملک، بی‌تا: ۱۵۹-۱۶۰). کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان، ضمن انتقاد از اجحافات مالیاتی قاجارها، به فروش کودکان قوچانی به ترکمنان برای وصول مالیات اشاره می‌کند (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲/۹۵-۹۷).

نجم‌آبادی، سازوکار مالیات‌گیری بی‌حساب و کتاب قاجارها و عدم نظارت حکومت مرکزی بر وصول مالیات مناطق مرزی را از علل فروش دختران قوچانی می‌داند. فروش دختران قوچانی به ترکمنان و ارامنه عشق‌آباد در بهار ۱۳۲۳ ق. در دوره حکمرانی غلامرضاخان آصف‌الدوله در خراسان روی داد (نجم‌آبادی، ۱۹۹۵: ۱۱).

در کنار این موارد نمونه‌های زیادی وجود دارد که بر فرار مالیاتی افراد **متنفذ** حکومتی اعم از ملاکین بزرگ، حاکمان ایالت‌ها و افراد درباری تأکید دارد. برای نمونه حشمت‌الملک، حاکم قائن بر سر مالیات سیستان با دولت به مشکل خورده و از دادن مالیات آن منطقه شانه خالی می‌کرد (اعتصام‌الملک، بی‌تا: ۱۱).

۱. عین‌السلطنه در خاطراتش می‌نویسد، روستای تاج خاتون که متعلق به میرزا رضا قلی‌خان است ۲۵ تومان اصل مالیاتش است، ولی مأموران مالیاتی ۲۵۰ تومان به علاوه ۶۰ خروار غله دریافت می‌کنند (عین‌السلطنه، ۱۷۴: ۱/۴۴۸).

همه ثروت خود را در آنجا جمع کند که اگر زمانی مقام کنونی خود را از دست داد به آنجا رفته و به زندگی مرفه خود ادامه دهد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۶۲/۴).

تملک املاک توسط رضاشاه از راه‌هایی همچون انتقال اراضی اشخاص به دولت و انتقال دولت به شخص شاه یا انتقال از اشخاص به رضاشاه با بهای اندک به‌وسیله ثبت اسناد در دفترخانه‌ها، صورت می‌گرفت (مکی، ۱۳۶۲: ۱۲۷-۱۲۸). به این ترتیب رضاشاه در دوران سلطنتش به بزرگ‌ترین مالک ایران تبدیل شد، به شکلی که در سال ۱۳۲۰ ش. صاحب ۲۱۰۰ دهکده بود و حدود ۲۵۰ هزار مالک و رعیت روی زمین‌های او مشغول به کار بودند (علم و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷).

محور سوم سیاست‌های مالکیت، زمین‌داری و مالیات‌گیری رضاشاه، کاستن از قدرت خوانین محلی و **متنفذین** قاجاری در جهت تقویت حکومت مرکزی با تحت فشار قرار دادن و تصاحب اموال و املاک آن‌ها بود؛ مهم‌ترین خوانین و بزرگ مالکانی که قربانی این سیاست رضاشاه شدند، اقبال‌السلطنه ماکویی، سپهسالار تنکابنی و عبدالحسین فرمانفرما بودند که در مورد سومی در جای خود بحث خواهد شد، اما درباره دو نفر اول باید گفت، اقبال‌السلطنه ماکویی به بهانه عدم پرداخت بدهی‌های مالیاتی از هستی ساقط شد؛ وی از خوانین **متنفذ** و قدرتمندی بود که حتی در سال ۱۳۰۰ ش. بدون آگاهی دولت ایران با شوروی قرارداد بازرگانی امضاء کرده بود. ماکویی با دستور رضاخان و توسط والی نظامی آذربایجان، امیر طهماسبی در سال ۱۳۰۲ ش. دستگیر شد و چندروز بعد در زندان درگذشت. رضاخان تمام ثروت ماکویی را برای خود تصاحب کرد و حتی مالیات عقب‌افتاده او به خزانه را نیز پرداخت نکرد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۷۹/۳-۵۸۱؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۷۵/۴).

سپهسالار تنکابنی دومین زمیندار بزرگی بود که توسط رضاشاه از بین رفت و اموالش به تملک شخص شاه درآمد. تنکابنی به علت بدهی یک میلیون تومانی به بانک استقراضی روسیه مورد مؤاخذة قرار گرفت. واگذاری بانک استقراضی روسیه بعد از انقلاب ۱۹۱۷ م. توسط دولت شوروی به ایران، بهانه خوبی به‌دست رضاشاه داد که سپهسالار را از قدرت ببیندازد و املاک فراوان او را در مازندران مصادره کند (بیانی، ۱۳۸۸: ۹۴۲). شاه با این بهانه که تنکابنی باید بدهی خود را به بانک کشاورزی تسویه کند، اموال وی را در اختیار این بانک قرارداد، بانک هم اموال و املاک را به رضاشاه انتقال داد، تنکابنی بعد از این اتفاق خودکشی کرد (یادداشت‌های محمودولی‌خان تنکابنی، ۱۳۷۸: ۲۱۴). با روشی که رضاشاه به کار برد، بعد از تبعید او، خانواده تنکابنی به‌عنوان

از هدر رفت‌ها ریشه‌کن گردید و یک سازمان خرید مرکزی تأسیس شد که از طریق آن همه نیازهای دولت خریداری می‌شد (میلسپو، ۱۳۹۶: ۴۸-۵۰). در نظام مالیاتی میلسپو وصول دو نوع مالیات منظم و نامنظم پیش‌بینی شده بود، که مالیات اراضی جزو مالیات‌های منظمی بود که باید مستمراً وصول می‌شد (آوری، ۱۳۷۳: ۱/۵۰۱). روند روبه‌رشد و مستمر مالیات‌گیری بیش از همه ارتش نوین رضاشاه را گسترش داد. بودجه این ارتش از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ش. پنج برابر شد و تعداد نیروهای آن نیز از ۴۰۰۰۰ نفر به ۱۲۷۰۰۰ نفر رسید (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۲۴). میلسپو با سروسامان دادن به اوضاع وزارت مالیه ایران، تلاش کرد برای تأمین هزینه‌های نوسازی‌های رضاشاه، مالیات‌های عقب‌افتاده خوانین بزرگ ایران به‌ویژه خوانین بختیاری را وصول کند، او میزان این بدهی را ۲۳۰۰۰۰۰ تومان برآورد کرد. وی در این راستا تمام بخشودگی‌های مالیاتی شاهان قاجار نسبت به زمینداران و حکام ایالات را لغو کرد (کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۷). از نظر میلسپو دریافت اجباری مالیات از جمله مالیات‌های معوقه برای بازسازی وضع خراب مالی ایران امری حیاتی بود (همان: ۳۷۷). در نهایت او در سال ۱۳۰۶ ش. به‌علت اختلاف با رضاشاه بر سر هزینه‌های هنگفت ارتش از مسئولیت خود کناره‌گیری کرد و دوباره امور مالی به‌صورت کامل تحت نظارت شاه درآمد (همان: ۱۳۹).

در نهایت با اینکه رضاشاه در بخش‌های زیادی از جمله ارتش، بهداشت، آموزش و غیره نوسازی‌های زیادی انجام داد، اما نظام زمین‌داری اصلاحات چندانی را تجربه نکرد. اقدامات انجام‌شده در این زمینه تنها به مصادره املاک بزرگ مالکانی اختصاص داشت که با رضاشاه از نظر سیاسی همسو نبودند. شاه موفق شد مالکین قدیمی را مطیع خود کند و قشر نوینی از آریستوکراسی زمیندار را به‌وجود آورد (زرگر، ۱۳۷۲: ۱۳۲). این قشر نوین شامل نظامیان، کارمندان عالی‌رتبه، تجار و بازرگانان می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۸).

محور دوم سیاست‌های مالکیت و زمینداری رضاشاه، اشتیاق او برای تصاحب زمین‌های مرغوب و حاصلخیز ایران بود؛ **رضا شاه در همان روزهای آغاز به‌کار در منصب وزارت جنگ** (۱۳۰۰ ش.)، به‌صورت گسترده زمین و املاک را به تصرف خود **درآورد**، وی ابتدا زمین‌هایی را در تهران تصاحب کرد، سپس در دوران ریاست‌الوزرای (۱۳۰۲ ش.) به سوی مازندران رفت و در دوران سلطنت به طرف گرگان، گیلان، غرب، شمال‌غرب و سایر نقاط کشور کشیده شد (مکی، ۱۳۶۲: ۲۰-۲۴). دولت‌آبادی در این مورد می‌نویسد، وی آرزو دارد مالک تمام مازندران شده و

است که در گندمزارها و بیشه‌های این منطقه به‌طور انبوه دیده می‌شود (بیگلری، ۱۳۷۶: ۷۳).

تا قبل از دوره زندیه، معمولاً حاکمان غیربومی برای سنقر انتخاب می‌شد، به‌گونه‌ای که در زمان شاه‌عباس اول این منطقه به‌عنوان تیول به مصطفی پاشا، فرزند اوزن احمد، حاکم بغداد واگذار شد (ترکمان منشی، ۱۳۸۲: ۷۸۱/۲). ولی در دوره زندیه برای اولین بار سران ایل کلیایی به حکومت سنقر منصوب شدند. بزرگان این ایل در تحولات دوره زندیه ایفای نقش کردند و حتی از طرف پادشاهان زندیه به حکومت بعضی از مناطق فارس نیز رسیدند (ر.ک: نامی، ۱۳۶۸: ۳۱۷-۳۱۹). در دوره قاجار حکومت این شهر بین شاهزادگان قاجاری و خوانین محلی دست به‌دست می‌شد و هر دورهای در اختیار یکی از آنها قرار می‌گرفت (ر.ک: سلطانی، ۱۳۷۱: ۳۱/۱؛ مردوخ، ۱۳۶۴: ۱۴۴/۲).

تأثیر جنگ جهانی اول بر بدهی مالیاتی فتح‌السلطان

امان‌الله‌خان فتح‌السلطان (۱۲۷۰-۱۳۳۹ ش.) یکی از خوانین و ملاکین بزرگ منطقه کلیایی سنقر بود که دهات زیادی را در اختیار داشت. فتح‌السلطان و رقیب محلی او حسینقلی‌خان امیرامجد در جریان شورش سالارالدوله در غرب ایران به مانند بسیاری خوانین غرب کشور به شاهزاده یاغی قاجار پیوستند (سنجایی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). در آن دوره از طرف سالارالدوله، حسن پاشا کلیایی حکمران سنقر بود. این خان محلی، دست تعدی به جان و مال و ناموس مردم سنقر دراز کرد و همه جور ظلم‌وستم را بر ایشان روا داشت. مردم سنقر چندبار به‌وسیله نامه‌نگاری از مجلس مشروطه تظلم‌خواهی کردند، اما در اوضاع آشفته آن زمان کسی به داد آنها نرسید (گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاهان، ۱۳۸۵: ۱۸۴-۱۸۷).

شرکت در لشکرکشی سالارالدوله علیه حکومت مرکزی، آخرین همکاری فتح‌السلطان و حسینقلی‌خان امیرامجد در کنار هم بود، زیرا بعد از شکست سالارالدوله در سال ۱۲۹۱ ش. از نیروهای دولتی به فرماندهی عبدالحسین فرمانفرما، خوانین کلیایی دو دسته شدند، گروهی به سردستگی سردار اشرف و امیرامجد به‌علت اختلاف با فرمانفرما و تعدیات او به املاک کلیایی، همچنان با شاهزاده

ورثه او نمی‌توانستند ادعای بازگشت املاک را داشته باشند، چون طبق اسناد رضاشاه املاک را از بانک خریداری کرده بود و آنها با بانک طرف می‌شدند (مکی، ۱۳۶۲: ۱۳۴/۶-۱۳۵).

همچنین رضاشاه زمینداران و بزرگان ایلات و طوایفی را که سد راه تمرکزگرایی دولت بودند به‌صورت طایفه‌ای و خانوادگی تبعید و املاکشان را در محل مصادره کرد (کرمی و رحمانیان، ۱۳۹۸: ۹۵). تحت فشار قراردادان و فروپاشی قدرت و نفوذ خوانین ایلات بختیاری و شاهسون (ر.ک. کرونین، ۱۳۸۳: ۲۴۱-۲۴۴ و ۲۶۹-۲۷۹) و مصادره املاک خوانین کلهر و سنجایی در همین راستا صورت گرفت (ساکما: ۲۴۰/۱۰۷۵۷).

نگاهی به جغرافیای طبیعی و تاریخی سنقر

سنقر و کلیایی با مساحتی حدود ۲۲۴۲ کیلومتر مربع در چهارده فرسخی شمال شرقی کرمانشاه قرار دارد (سلطانی، ۱۳۷۰: ۲۸/۱). این شهر در دشت پهناوری قرار گرفته که اطراف آن را کوه‌های **داله‌خانی**، مادیان کوه، کمرزرد، بوسوار و غیره فراگرفته است (افشارسیستانی، ۱۳۸۱: ۱۴۸/۱) و از دو حوزه آبریز سرشاخه‌های رودخانه گاورود و گامیشان برخوردار است. مادیان کوه در شمال شهر سنقر مرز طبیعی و خط تقسیم آب این دو حوزه است. بدین ترتیب شهرستان سنقر به‌صورت طبیعی به دو دشت مستقل و دو حوزه آبریز تقسیم می‌شود که حاصلخیزی مزارع کشاورزی را در پی دارد (بیگلری، ۱۳۷۶: ۵۲). در سال ۱۳۳۵ ش. سنقر شامل دو دهستان فعله‌گری با ۶۵ آبادی و کلیایی^۱ با ۱۱۲ آبادی بود (بیات، ۱۳۳۵: ۳۷). در منطقه فعله‌گری، مردم طایفه فعله‌گری و در منطقه کلیایی طوایف بیگونند، موسیوند، ورمزبار و صوفیوند ساکن هستند (سلطانی، ۱۳۷۰: ۲۹/۱-۳۱). زبان **بخشی** از اهالی بومی شهر سنقر ترکی آمیخته به کلمات کردی است و روستاهای اطراف **به‌طور کل** کردزبان و به لهجه سورانی و آمیخته با لغات گویش کرمانجی صحبت می‌کنند (سلطانی، ۱۳۷۰: ۲۹/۱).

در مورد وجه تسمیه سنقر اطلاعات زیادی وجود ندارد، ولی نویسندگان معاصر در این باره دو فرضیه را مطرح کرده‌اند، اول اینکه سنقر نام یکی از فرمانروایان اتابک فارس بوده است که اسبان خود را برای چرا به این منطقه آورده است و نام شهر از آن شخص گرفته شده است، فرضیه دوم وجود پرنده ای به‌نام سنقر^۲

شکاری و نسبتاً بزرگ است که معمولاً بر روی صخره‌های بلند آشیان می‌سازد. یک روستا در سنقر به‌نام چَرخَلان (= لانه چَرخه) وجود دارد. همچنین در روستاهای شمال سنقر که صخره‌های بلند دارند، جاهایی به‌نام چَرخَلان دارند. پادشاهان در گذشته از این پرنده برای شکار پرنده‌گان کوچک استفاده می‌کردند (ر.ک: آفاگل‌زاده، داوری، ۱۳۸۴: ۱۵۳؛ بیگلری، ۱۳۷۶: ۷۴).

۱. از کلیایی هم به‌عنوان منطقه نام برده شده است و هم ایل، ولی به نظر می‌رسد تمام طوایف که در منطقه کلیایی سکنی داشتند را ایل کلیایی خطاب می‌کردند.
۲. احتمالاً سنقر معرب کلمه چَرخ یا چَرخه در زبان فارسی است. چرخه پرنده‌ای

ردیف ۲۹۳۰۰۱۸۳۸: محل در آرشیو ۸۳۲ظ ۲بآ: ۲۴۰۰۰۰۲۹۳، محل در آرشیو ۱۶۱۰ آ ۱۲آ). در کنار آن، خشکسالی و کمبود مواد غذایی در این دوره باعث شد که بسیاری از مردم کرمانشاه بر اثر گرسنگی از بین بروند. شرایط به حدی تأسف بار بود که مردم از شدت گرسنگی به خوردن علف و ریشه گیاهان روی آوردند (رک: مجد، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۳). بنابراین دلایل فتح‌السلطان برای عدم پرداخت به موقع مالیات‌هایش تاحدودی موجه بود و وزارت مالیه قاجار هم در اواخر آن به علت ناتوانی در وصول مالیات از طریق قوای قهریه، رویه مماشات را با فتح‌السلطان در پیش گرفت و پرداخت مالیات‌های او را به سال‌های بعد موکول کرد، اما این دلایل بعد از قدرت گرفتن رضاخان و تحول در وزارت مالیه برای این وزارتخانه قابل قبول نبود، زیرا همان‌طور که گفته شده رضاخان برای نوسازی و اصلاحات گسترده خود نیاز به منابع مالی داشت و یکی از این منابع، وصول بدهی‌های مالیاتی ملاکین بزرگ بود که شخص فتح‌السلطان هم در این زمره قرار می‌گرفت (رک: کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۷).

تکاپوی وزارت مالیه برای وصول مالیات فتح‌السلطان

روند وصول مالیات از فتح‌السلطان این‌گونه بود که وزارت مالیه بعد از اصلاحاتی که در آن صورت گرفته بود، اداره مالیه کرمانشاه^۱ را به تسویه بدهی مالیاتی ملاکین بزرگ این ایالت از جمله فتح‌السلطان ملزم کرد. در مقابل **مسئولان** اداره مالیه کرمانشاه طی نامه‌های زیادی **مستمرأ** از تعیین تکلیف نشدن باقی‌مانده بدهی مالیاتی فتح‌السلطان شکایت دارند. آن‌ها «اداره کل عایدات داخلی» را مسئول عدم رسیدگی به این موضوع می‌داند و از عدم پیگیری این اداره شاکی هستند (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵ الف ۵ پ الف).

اداره مالیه کرمانشاه از سال ۱۳۰۲ ش. به بعد چندین بار لیست بدهی‌های مالیاتی فتح‌السلطان را به تهران ارسال می‌کند. این اداره در نهایت طی نامه‌ای به تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۰۶، مفصلاً شرح چگونگی بدهی فتح‌السلطان را توضیح می‌دهد. در این سند آمده است که در ماه‌های مرداد و آبان، فتح‌السلطان مقدار ۵۹۴۹ من گندم به اداره

شکست‌خورده باقی ماندند، در مقابل فتح‌السلطان به عنوان دشمن امیرامجد به طرف فرمانفرما کشیده شد. با شروع جنگ جهانی اول و کشیده شدن دامنه جنگ به کرمانشاه، فتح‌السلطان از آلمان و عثمانی طرفداری کرد، اما حسینقلی‌خان امیرامجد در کنار روس و انگلیس می‌جنگید (سلطانی، ۱۳۷۳: ۴/۸۱۳؛ سنجابی، ۱۳۹۳: ۳۱۸). به نظر می‌رسد هدف دو خان متنفذ سنقر از پیوستن به منازعات قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی اول، در اختیار گرفتن حکومت سنقر و نابودی رقیب محلی خود بود.

فتح‌السلطان ابتدا به کمک نیروهای ایل سنجابی، امیرامجد و حامیان روسش را شکست داد و حکومت سنقر را به دست آورد (سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۳۰؛ سلطانی، ۱۳۷۳، ۴/۸۱۰)، اما بعد از مدتی امیرامجد به کمک روس‌ها فتح‌السلطان را شکست داد، مزارع و املاکش را آتش زد، بر خانه‌های آن‌ها آب بست و بر سنقر تسلط یافت. فتح‌السلطان هم به ناچار و با جنگ و گریز به میان ایل سنجابی متواری شد (مردوخ کردستانی، ۱۳۷۹: ۵۸۵؛ سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۳). به این ترتیب امیرامجد در مقابل فتح‌السلطان دست برتر را یافت و به تنهایی قدرت اول منطقه شد. بعد از تشکیل دولت موقت ایران در کرمانشاه فتح‌السلطان هم با نیروهایی از ایل کلیایی و سپاهیان سنجابی به رهبری علی‌اکبرخان سردار مقتدر به **رئیس** دولت موقت، نظام‌السلطنه مافی پیوست و رشادت‌های فراوانی از خود در مقابل نیروهای روسی به نمایش گذاشت (رک. اتابکی، ۱۳۸۷: ۱۶؛ سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۳، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۳۹، ۳۴۶).

فتح‌السلطان بعد از پایان جنگ جهانی اول، با توجه به حکمرانی امیرامجد در سنقر و تصاحب املاکش توسط وی، مدتی در تهران متواری بود تا اینکه در نهایت با وساطت سید حسن مدرس، بر سر املاکش بازگشت. او پس از بازگشت به سنقر از پرداخت مالیات‌های عقب‌افتاده خود امتناع کرد و خسارت‌های وارده در جنگ جهانی اول به املاکش را علت نپرداختن مالیات ذکر می‌کرد؛ اما مأمورین مالیاتی وزارت مالیه معتقد بودند که فتح‌السلطان از وقوع جنگ جهانی اول و آشفتگی اوضاع جهت نپرداختن مالیات سوءاستفاده کرده است (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵ الف ۵ پ الف).

همان‌طور که بیان شد در جریان جنگ جهانی اول ایالت کرمانشاه محل عبور و درگیری نیروهای نظامی روسیه، انگلیس و عثمانی بود. ایلات منطقه همچون کلهر، سنجابی و کلیایی نیز با این نیروی‌های بیگانه درگیر شدند. این حوادث باعث تخریب اراضی کشاورزی و قحطی در کرمانشاه شد (رک: ساکما، شماره

۱. در سال ۱۳۰۱ ش که هیئت امریکایی وارد ایران شد از طرف میلسپو «جان دونوی» به عنوان مدیر امور مالیه ایالت کرمانشاه تعیین گردید و وظیفه اصلاح ساختار این اداره را برعهده داشت (میلسپو، ۱۳۹۶: ۴۸-۵۰). احتمالاً تأسیس ادارات مالیه شهرستان‌های کرمانشاه، از جمله اداره مالیه سنقر در این دوره و با تلاش جان دونوی صورت گرفته است.

در نتیجه پیامدهای جنگ جهانی اول و نزاع خوانین سنقر با وی خسارات زیادی دیده، تقاضا دارد که هرچه زودتر براساس پیشنهادات کلنل فرامرزان عمل گردد و به بررسی بدهی مالیاتی فتح‌السلطان خاتمه داده شود (همان‌جا).

در بررسی اسناد فوق مشخص گردید فشار وزارت مالیه بر اداره مالیه کرمانشاه برای تسویه سریع‌تر بدهی مالیاتی فتح‌السلطان و بی‌دقتی یا غرض‌ورزی اداره مالیه سنقر در ارسال به موقع لیست پرداخت‌های مالیاتی فتح‌السلطان، اداره مالیاتی کرمانشاه را نسبت به بدهی وی حساس کرده و **مستمر** درخواست وصول مالیات وی را دارد. از طرف دیگر این اداره توسط کارشناس مالیاتی خود متوجه خسارات زیاد به اراضی فتح‌السلطان شده، و از ناتوانی او در پرداخت بدهی‌هایش به علت مشکلات جنگ جهانی اول و درگیری با امیرامجد مطلع گردیده و با پرداخت بدهی‌های گذشته وی به صورت قسطی موافقت می‌کند، اما اداره مالیه سنقر اصرار بر پرداخت بدون تخفیف و کامل بدهی‌های فتح‌السلطان را دارد و به نوعی خواهان مصادره املاک او به جای بدهی‌هایش است. شرایط پیش آمده برای فتح‌السلطان دو علت مشخص دارد: اول نوسازی نهادهای مالیه و اصلاح نظام مالیاتی توسط رضاشاه و همچنین اصلاحات گسترده در بخش‌های، سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که برای انجام این اصلاحات، نیاز به دریافت کامل مالیات‌های عقب‌افتاده و جاری اراضی کشاورزی از مالکین بزرگ بود، ولو با تصاحب املاک آن‌ها به جای بدهی‌هایشان، **عامل دوم دسته‌بندی‌های سیاسی، غرض‌ورزی‌های شخصی و رقابت‌های محلی که در قالب کوتاهی مسئولان اداره مالیاتی سنقر و کرمانشاه در رسیدگی دقیق به محاسبه مالیات‌های فتح‌السلطان و مقصر جلوه‌دادن وی در مکاتبات با وزارت مالیه خود را نشان داد؛ البته اداره مالیه کرمانشاه همچنان معتقد است محصلان مالیاتی در سال‌های آخر دوره قاجار، بدهی مالیاتی فتح‌السلطان را خیلی کمتر از آنچه که باید به دولت بپردازد، محاسبه کرده‌اند (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵ الف ۵ پ الف). به همین علت با محاسبه دقیق و به نوعی سختگیری مالیاتی، بدهی فتح‌السلطان بسیار بیشتر از آن مبلغی که خود او و حتی مأموران اداره مالیه کرمانشاه انتظار داشتند، تعیین شد.**

لازم به ذکر است که رضاشاه در دوران سلطنتش بیشتر به تصاحب زمین‌های نواحی غربی کرمانشاه پرداخت و علاقه شخصی چندانی به زمین‌های منطقه سنقر در شرق این استان نداشت و اگر مسئولان اداره امور مالیاتی او فشاری بر فتح‌السلطان وارد می‌آورد، همان‌طور که گفته شد **علاوه بر غرض‌ورزی‌های سیاسی و**

ارزاق سنقر تحویل داده که چون جوابی از اداره مذکور ارسال نشده، بعد از تحقیق مشخص گردیده که رونوشت تلگراف مذکور اصلاً به دست مسئولان اداره کل نرسیده است. احتمالاً این کوتاهی به علت سهل‌انگاری رئیس و متصدیان اداره مالیه صورت گرفته است. در ادامه اداره مالیه کرمانشاه اقدامات خود را برای وصول بدهی مالیاتی فتح‌السلطان ذکر می‌کند و از اعزام کلنل فرامرزان، مفتش ایالتی برای تحقیق و ملاحظه وضعیت املاک فتح‌السلطان و تعیین تکلیف مالیات‌های معوقه ایشان خبر می‌دهد. کلنل مذکور بعد از انجام تحقیقات پیشنهاد داده از مبلغ ۹۰-۹۰۸۱۶ قران نقد، ۱۰-۷۳۰۰۵ من گندم و ۱۰-۷۴۰۰۵ من جو باقی‌مانده بدهی سال ۱۳۰۲ش و مالیات دو ساله ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ش. املاک فتح‌السلطان، مبلغ ۰۹-۵۶۸۵۲ من گندم و ۵۷۳۵۲ من جو به او تخفیف دهند و بقیه را که مبلغ ۲۰۸۲۶۱ قران نقد و مقدار ۱۶۱۵۳۱ من گندم و ۱۶۶۵۳ من جو است از سال ۱۳۰۶ش. به بعد در مدت پنج سال با اقساط سالیانه وصول شود. در نتیجه پیشنهاد کلنل فرامرزان، اداره مرکزی اجازه این ترتیب وصول مالیاتی را صادر می‌کند. البته طبق محاسبات خود که ارقامش با ارقام پیشنهادی کلنل فرق دارد، اداره مالیه کرمانشاه نیز مراتب را به اداره مالیه سنقر ابلاغ کرده و دستور می‌دهد که بر طبق تلگراف مذکور اقدام کنند (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵ الف ۵ پ الف). در این میان اداره مالیه سنقر در جواب دستور فوق فقط به ناخرسندی از فتح‌السلطان اکتفا نموده و می‌نویسد، لیست صورت‌های مالیاتی وی با لیست اداره مالیه ایالتی به هیچ عنوان مطابقت نمی‌کند و باید بدهی او را برای سال‌های ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۳ در سه قسط در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ش. به همراه مالیات جاری وصول گردد. همچنین در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۰۵ش. امین مالیه سنقر به شیوه‌ای که کلنل فرامرزان جهت تسویه باقی‌مانده بدهی مالیاتی فتح‌السلطان پیشنهاد داده بود، مخالفت نمود و شیوه دیگری را اتخاذ کرد. براساس این شیوه فتح‌السلطان باید به جای مبالغ نقدی برپایه قران، گندم و جو تحویل دهد (همان‌جا).

اداره مالیه کرمانشاه این شیوه اتخاذ شده از سوی اداره مالیه سنقر را برای وصول مالیات فتح‌السلطان منصفانه ندانسته و آن را در جهت جلب نظر رؤسای اداره مالیه سنقر می‌داند. در ادامه این سند آمده است که اگر اداره مالیه سنقر بخواهد به این ترتیب عمل کند، فتح‌السلطان به هیچ‌وجه نمی‌تواند از عهده پرداخت بدهی‌هایش برآید، مگر اینکه دولت چند روستا از املاک وی را به جای بدهی‌اش مصادره کند. در پایان اداره مالیه کرمانشاه با توجه به اظهارات کلنل فرامرزان که گزارش داده املاک فتح‌السلطان

۸ آبادی به صورت شش دانگ و بقیه از پنج دانگ تا نیم‌دانگ در تملک فرمانفرما قرار داشت (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱).

فرمانفرما در دو مقطع از سال ۱۳۲۰-۱۳۲۴ و ۱۳۳۰-۱۳۳۳ ق. حکمران کرمانشاه بود (اتحادیه، ۱۳۹۲: ۴۰۶). وی دومین بار در سال ۱۳۳۰ ق. توسط دولت نجف‌قلی خان بختیاری برای مقابله با اوضاع متشنج غرب کشور در پی آشوب سالارالدوله، با اختیار کامل به‌عنوان والی کرمانشاه منصوب و راهی منطقه شد (مجموعه اسناد فرمانفرما، ۱۳۶۲: ۲۰/۱؛ کسروی، ۱۳۵۳: ۵۱۰). فرمانفرما بعد از آرام کردن کرمانشاه، به‌واسطه نفوذی که یافته بود، دخالت گسترده‌ای در انتخابات مجلس سوم مشروطه در سال ۱۲۹۳ ش. به نفع هم حزبی‌های خود (اعتدالیون) انجام داد (استادوخ، ۱۳۳۶: ۱-۲۴؛ کمام، ۳/۴/۱۳۰/۱: ۴۰۱-۴۰۶). البته در نهایت دموکرات‌ها پیروز شدند و تلاش‌های فرمانفرما به نتیجه مطلوب نرسید (سنجایی، ۱۳۹۳: ۲۲۸-۲۲۹).

هرچند که کوشش فرمانفرما برای تأثیرگذاری بر انتخابات مجلس کرمانشاه ناکام ماند، اما در زمینه تصاحب زمین‌های منطقه بسیار خوب عمل کرد و همان‌طور که گفته شد بخش‌هایی از اراضی حاصلخیز مناطق مختلف کرمانشاه به‌ویژه سنقر و کلیایی را در حوزه املاک وسیع خود قرار داد. تلاش‌های مستمر فرمانفرما برای کسب مال و دارایی و خرید املاک، باب حشر و نشر او را با مستبدین سرشناس گشود و موجب برهم‌خوردن روابطش با مجاهدین و مشروطه‌خواهان شد (سنجایی، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

مناسبات مالیاتی فرمانفرما با حکومت مرکزی

فرمانفرما در ماه‌های منتهی به انقراض حکومت قاجار و شروع قدرت‌گیری رضاخان نسبت به مالیات‌هایی که دولت بر املاک او وضع کرده بود، اعتراض شدیدی داشت و خواستار ممیزی دوباره ارضی خود شد، ولی به عللی که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد به اعتراض‌های مکرر او ترتیب اثری داده نشد.

لازم به ذکر است که فرمانفرما در ابتدا تلاش زیادی برای به قدرت رسیدن رضاخان انجام داد و با تقریبی که نزد او به‌دست آورد، توانست پسران خود نصرت‌الدوله (۱۳۰۵ ش) و محمودولی میرزا را به مناصب کشوری و لشکری برساند. منوچهر فرمانفرمایان فرزند

شخصی و رقابت‌های محلی در راستای تأمین بودجه اصلاحات گسترده وی و ارتش نوینش بود. رضاشاه از سال ۱۳۰۵ ش. زمین‌هایی در کرمانشاه خرید که این اراضی بیشتر در مناطقی مانند شاه‌آباد (اسلام‌آباد)، گیلان غرب و قصرشیرین قرار داشت. **همچنین او در مقابل تصاحب بخشی از زمین‌های مرغوب مالکان در مناطق یادشده، زمین‌های خالصه برخی از مناطق دوردست را به آن‌ها واگذار می‌کرد،** برای نمونه او با ثبت اراضی ایل کلهر به اسم خود، زمین‌های خالصه منطقه ذهاب را به آن‌ها واگذار کرد (ساکما: ۲۳۰/۳۱۷۴).

در سال ۱۳۱۴ ش، با گسترش اراضی رضاشاه، اداره املاک اختصاصی در کرمانشاه تأسیس شد. وظیفه این اداره نظارت بر آبادانی و جمع‌آوری بهره مالکانه زمین‌های گسترده شاه در کرمانشاه بود (ساکما: ۲۴۰/۲۶۴۰۱).

رضاشاه در املاک متصرفی کرمانشاه کارهای صنعتی هم انجام می‌داد. برای نمونه او در سال ۱۳۱۲ ش. در املاک منطقه شاه‌آباد، کارخانه قند را با ظرفیت تولید سالانه ۴۰۰۰۰ تن تأسیس کرد و زمین‌های اطراف کارخانه را به کشت چغندر اختصاص داد (ساکما: ۳۷۰/۱۶۴). پس از احداث این کارخانه، شهر شاه‌آباد شکل تازه‌ای به خود گرفت و خیابان‌های زیادی در آن احداث شد (سلطانی، ۱۳۷۲: ۳۶/۱). بعد از تبعید رضاشاه، مالکین تعدادی از روستاهای ماهیدشت کرمانشاه **شکوائیه‌ای** تنظیم کردند و خواستار استرداد املاک خود شدند (ساکما ۲۳۰/۲۱۰۴).

عبدالحسین میرزا فرمانفرما و تصاحب املاک سنقر

خاندان فرمانفرما جزو خاندان‌های بزرگ و حکومت‌گر دوره قاجار محسوب می‌شد. فیروزمیرزا فرمانفرما، پدر عبدالحسین، شانزدهمین فرزند ذکور عباس میرزا نایب‌السلطنه بود (فرمانفرما، ۱۳۷۷: ۱۰).

عبدالحسین فرمانفرما سال‌ها در سمت‌های مختلفی همچون حاکم ایالات، وزارت و حتی **رئیس‌الوزرا** قرار گرفت و زمین‌های زیادی را در سراسر ایران به‌ویژه آذربایجان، کرمانشاه و کردستان به‌دست آورد. ایشان در زمان حکومت بر کرمانشاه که اسناد آن مورد بحث مقاله حاضر است، بخش مهمی از املاک سنقر و کلیایی را به املاک سابقش اضافه کرد (سنجایی، ۱۳۹۳: ۲۲۹). در سنقر املاک وی شامل ۲۲ پارچه آبادی بود^۱ که از این ۲۲ آبادی، اراضی

۱ آسیاب جوب، کوریهور، حسین‌آباد، نخودتپه، بشیرآباد و ... (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱).

۱. اسامی بعضی از آبادی‌های متعلق فرمانفرما در سنقر بدین شرح است: چوگان، زمین، میخوران، ورسقان، دده عباس، فیروزآباد، قلعه چوق، قمام، دره‌باغ، مله کبود،

اعمال مالیات بدون تبعیض بوده و می‌نویسد که به مانند دیگر زمینداران از اراضی وی نیز عشر عایدات دریافت دارند. همچنین او معتقد است که اداره ممیزی باید دوباره املاک وی را ممیزی نماید (ساکما، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱). در پاسخ به این نامه وزارت مالیه و اداره ممیزی جوابیه‌ای برای فرمانفرما می‌فرستند مبنی بر این موضوع که تا زمان تصویب قانون ممیزی عمومی وزارت مالیه، توسط مجلس شورای ملی، اداره مزبور نمی‌تواند اقدام به کاهش مالیات او نماید و باید صبر کند تا این قانون به تصویب مجلس برسد (همان‌جا).

ظاهراً علاوه بر اینکه فرمانفرما به مالیات بیش‌ازحد اعتراض داشته، عواملی مانند کاهش باران در فصل زراعی و سرمای شدید زمستان، باعث افت محصول کل کرمانشاه به‌ویژه منطقه سنقر شده است که اعتراض‌های مکرر او را موجه **جلوه** می‌دهد. موضوع خشکسالی و سرمای زمستان در کرمانشاه، حتی یک‌ماه پیش از نامه‌های اعتراضی فرمانفرما مورد تأیید کفیل مالیه کرمانشاه قرار گرفته است، زیرا در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۰۴، کفیل مالیه کرمانشاه در نامه‌ای به «اداره کل عایدات داخلی - مالیات مستقیم»، ضمن تأیید موضوع خشکسالی و سرمای زمستان، به شکایات ملاکین کرمانشاه اشاره کرده و می‌نویسد ملاکین گفته‌اند که توان پرداخت مالیات را ندارند و اگر دولت در تخفیف مالیات ملاکین زیان دیده اقدام نکند در سال‌های آینده خسارات زیادی برای خزانه دولت به‌همراه دارد (ساکما، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱). کفیل مالیه کرمانشاه چند پیشنهاد برای تخفیف مالیاتی زیان‌دیدگان دارد که از جمله این پیشنهادات می‌توان به قسط‌بندی مالیات و نیز اخذ مالیات جنسی گندم و ذرت به‌جای محصول جو که بیشتر از آفات خسارت دیده، اشاره کرد (همان‌جا).

فرمانفرما که در دوره ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه همواره از شاه و ولیعهد برای املاک خود و نزدیکانش به بهانه‌های مختلف معافیت مالیاتی می‌گرفت (رک: مجموع اسناد فرمانفرما، ۱۳۶۲: ۱/ ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵)، اینک در دوره رضاشاه با وجود خوش خدمتی‌هایی که به شاه داشت، با مشکل عدم توجه به درخواست‌هایش روبه‌رو شده بود. مریم فیروز، فرزند فرمانفرما ریشه اختلاف پدرش با رضاشاه را تلاش شاه برای تصاحب زمین‌های منطقه جعفرآباد تهران فرمانفرما می‌داند که با مقاومت پدرش همراه بود (فیروز، ۱۳۷۳: ۳۷). فرمانفرما در نهایت زمین‌ها را به شاه بخشید، اما متوجه شد که رضاشاه به این قانع نیست و می‌خواهد تمام زندگی‌اش را بگیرد (همان‌جا). البته علاوه بر خصومت شخصی

فرمانفرما، ضمن اشاره به روابط دوستانه پدرش با رضاشاه، از او به‌عنوان یکی از تفنگچیان پدرش یاد می‌کند (فرمانفرمایان، ۱۳۷۷: ۱۵). رضاخان در جریان شورش سالارالدوله، در سال ۱۲۹۱ ش. فرمانده نیروهای قزاق سپاه فرمانفرما بود. نیروهای تحت امر او در جریان جنگ، **داوودخان** کلهر، فرمانده نیروهای سالارالدوله را کشتند و به غائله او در غرب پایان دادند (سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۰۱، ۲۰۷). این روابط به ظاهر دوستانه باعث نشد که متصدیان مالیاتی رضاشاه از کنار بدهی‌های مالیاتی فرمانفرما به‌راحتی عبور کنند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا وزارت مالیه رضاشاه با بدهی‌های مالیاتی فرمانفرما بسیار **سختگیرانه** و اجحاف‌آمیز برخورد کرد؟ در جواب باید گفت، مشکلات فرمانفرما با وزارت مالیه امری فراتر از یک بدهی مالیاتی بود و باید ریشه آن را در سیاست‌های جدید رضاشاه در مورد نظم نوین مالیاتی و تقویت حکومت مرکزی، با تضعیف خوانین پرنفوذ قاجار جستجو کرد. همان‌طور که در بحث سیاست‌های رضاشاه در امر مالکیت و زمین‌داری گفته شد، رضاشاه قصد داشت با تحت فشار قراردادن زمینداران بزرگ و بانفوذ محلی و تصاحب املاک آن‌ها، قدرتشان را به نفع حکومت مرکزی تضعیف کند. بنابراین دریافت مالیات از مالکان بزرگ، از جمله مالیات‌های کلان معوقه، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی به‌معنای تأکید نمادین بر اقتدار حکومت و سلاح نیرومندی در دست رضاشاه برای مبارزه با عناصر سرکش و متمرّد و نخبگان سابق قاجاری بود (کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۷).

اعتراض‌های فرمانفرما در جهت کاهش اجحافات مالیاتی وزارت مالیه در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۰۴ ش. یعنی حدود چهارماه قبل از انقراض قاجاریه آشکارتر شد. وی در نامه‌ای به «اداره کل عایدات داخلی» از مالیات زیاد اراضی سنقر و کلیایی خود شکایت دارد و اجاره این املاک را سالی ۱۲۰۰ تومان نقدی و ۹۰۰ خروار جنسی ذکر کرده است که از این ۹۰۰ خروار، سالی ۱۵۰ الی ۲۰۰ خروار کسری دارد؛ بنابراین خواستار این است که املاک او را دوباره ممیزی کنند و از عشر درآمد زمین‌هایش صورت بردارند تا ثابت شود که هر سال چه مبلغ و چه مقدار بیش از حد معمول از وی اجاره بها دریافت می‌دارند (ساکما، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱).

او در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۰۴ ش، دوباره به «اداره کل عایدات داخلی» نامه می‌نویسد و در آن درخواست قبلی خود مبنی بر تعدیل مالیات املاک سنقر و کلیایی را تکرار می‌کند و مالیات وضع‌شده بر املاک وی را کمرشکن می‌داند. فرمانفرما در این نامه خواستار

بخشی از مالیات آن‌ها را به دیگر اصناف و ملاکین سرشکن کرده بودند- اداره مالیه از فرمانفرما به اسم سرشکن مالیات موسیوند ۳۳ تومانی مطالبه کرده است، ولی وی مطابق سال‌های گذشته ۳۰ تومانی پرداخت کرده است، در جواب نامه فوق وزارت مالیه به فرمانفرما اعلام می‌کند که دستور رسیدگی داده است (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱)، اما به عللی که بیان شد این وزارتخانه حاضر به کاستن از فشار مالیاتی فرمانفرما نشد. زیرا سیاست دولت جدید رضاشاه این فشار را برای نابودی خان **متنفذ** قاجار لازم می‌دانست. اوضاع فرمانفرما در سال‌های بعد بغرنج‌تر شد. او علاوه بر اینکه خانه مسکونی و باغ خود را بنا به درخواست رضاشاه به او واگذار کرد (فرمانفرمایان، ۱۳۷۷، دختری از ایران: ۷۰)؛ مجبور شد بعد از محکومیت نصرت‌الدوله فیروز، وزیر دارایی رضاشاه در سال ۱۳۰۸ ش به جرم رشوه‌خواری، مبلغ ۳۲۰۰۰ لیره یا صد هزار تومانی که پسرش از انگلستان بابت امضای قرارداد ۱۹۱۹ م.^۱ گرفته بود به دولت پهلوی بازگرداند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ۲۱۳).

به گفته ستاره فرمانفرمایان، پدرش برای تأمین بازپرداخت این پول مجبور شد املاک زیادی را بفروشد (فرمانفرمایان، ۱۳۷۷، دختری از ایران: ۱۳۳). فرمانفرما بعد از این قضایا درحالی که به شدت از نفوذ سیاسی و تمکن مالی‌اش کم شده بود، در سال ۱۳۱۸ ش در سن ۸۴ سالگی درگذشت (مجموعه اسناد فرمانفرما، ۱۳۶۲: ۱۲/۱).

نتیجه

با توجه به بررسی اسناد فوق می‌توان گفت وصول مالیات از دو زمیندار بزرگ منطقه سنقر و کلیایی در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول شرایط متفاوتی داشت؛ فتح‌السلطان در اواخر دوره قاجار، به‌علت **خسارت‌هایی** که اراضی او از وقوع جنگ جهانی اول و درگیری با خوانین محلی دیده بود، از پرداخت مالیات امتناع کرد، حکومت قاجار هم به‌علت ضعف قدرت مرکزی در آن دوره، رویه مامشات را در مقابل او در پیش گرفت و بدهی مالیاتی او را به سال‌های آینده موکول کرد، اما همین زمیندار با روی کارآمدن عوامل دولت رضاشاه مورد حسابرسی مالیاتی کامل و حتی

رضاشاه با خاندان فرمانفرما، تضعیف بنیه اقتصادی **متنفذین** قاجار از طریق تصاحب املاک آن‌ها، یکی از علل سختگیری‌های مالیاتی رضاشاه با فرمانفرما بود، علل دیگر را باید در تقویت حکومت مرکزی با متلاشی کردن قدرت و نفوذ محلی این خوانین و نیز سوق پیدا کردن تأمین بخش بزرگی از بودجه اصلاحات رضاشاه به سوی مالیات‌گیری از زمین‌داران بزرگ دانست.

در ادامه مکاتبات فرمانفرما با دولت جدید رضاشاه، این بار او در نامه‌ای به «اداره عایدات داخلی» مدعی است که مأمورین اداره مالیه مبلغ ۱۷۲ تومانی تفاوت قیمت ۳۶ خروار گندم مالیاتی املاک پشتکوه کنگاور را بدون دلیل و با پافشاری دریافت داشته‌اند و تقاضا می‌کند که این مبلغ را حالا که گرفته‌اند، برای مالیات امسال املاک آنجا یا املاک تهران وی محسوب دارند. فرمانفرما با گلایه از اینکه تاکنون به مکاتبات وی ترتیب اثری نداده‌اند، دوباره تقاضا می‌کند که مبلغ مذکور را به مالیه همدان تحویل دهند که بابت املاک او در این شهر محاسبه کنند (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱).

ظاهراً نظم نوینی که رضاشاه به کمک آتور میلیسپو در وزارت مالیه به‌وجود آورده بود، فرمانفرما را متظلم کرده بود. او که در مدت حکومت بر کرمانشاه به روش‌های مختلف ثروت خود را کسب کرده، از دست‌دادن آن برایش **دشوار بود**. علی‌اکبرخان سنجایی در این مورد می‌نویسد: «فرمانفرما به شیوه خود هر جا که مأمور می‌شد با مردم محل درمی‌آمیخت و با آن‌ها وصلت می‌کرد و در معاملات کلان آن‌ها شریک می‌شد. به همین ترتیب در کرمانشاه نیز زن گرفت و صاحب اولاد شد و املاک خریداری کرد. هیچ حاکمی به استثنای عمادالدوله دولتشاه (۱۲۶۷-۱۲۹۳ ق)، مانند او بر مردم کرمانشاه نفوذ باقی نگذاشت و هیچ‌یک از آن‌ها مانند او مال و منال و ملک و ثروت نیاندوخت» (سنجایی، ۱۳۹۳: ۱۴۹-۱۵۰). فرمانفرما در مدت حکمرانی در کرمانشاه، نه تنها تلاشی در جهت رفاه و آبادانی این شهر انجام نداد (سنجایی، ۱۳۹۳: ۱۵۰)؛ بلکه تعدیات گاه‌وبیگاه او به املاک مردم سنقر و کلیایی صدای تظلم‌خواهی مردم این منطقه را درآورده بود (رک: روزنامه صوراسرافیل، شماره ۳۸: ص ۵).

نامه دیگر فرمانفرما به «اداره کل عایدات داخلی» - مالیات مستقیم» است که برای چندمین بار از اجحافات مالیاتی مأمورین وزارت مالیه شکایت دارد. او این بار به مبالغ اضافی که به اسم سرشکن مالیات ایل موسیوند از وی گرفته‌اند، اعتراض دارد- ظاهراً به‌علت خرابی و ویرانی اراضی ایل موسیوند در سنقر و کلیایی،

۱. قرارداد ۱۹۱۹ م. را وثوق‌الدوله و دو تن از اعضای کابینه‌اش (نصرت‌الدوله وزیر خارجه و صارم‌الدوله وزیر دارایی) به نمایندگی از جانب ایران و سرپرستی کاکس از طرف بریتانیا امضاء کردند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (کمام)، سند شماره ۳۴/۱۳۰/۱.
روزنامه صوراسرافیل (۱۳۳۲ق)، شماره ۳۸.

کتاب

- آوری، پیتر (۱۳۷۳). *تاریخ معاصر ایران*، ج ۱، ترجمه محسن رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمدگل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
- اعتصام الملک، میرزا خانلرخان (بی تا). *سفرنامه خانلرخان اعتصام الملک*، تهران: منوچهر محمودی.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۱). *کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن*، ج ۱، تهران: نگارستان کتاب.
- اتابکی، توج (۱۳۸۷). *ایران و جنگ جهانی اول (میدان نبرد قدرت های بزرگ)*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- بیات، عزیزاله (۱۳۳۵). *جغرافیای مختصر کرمانشاه*، کرمانشاه: چاپ محمدی.
- بزرگ امید، ابوالحسن (۱۳۶۳). *از ماست که بر ماست*، تهران: دنیای کتاب.
- بیگلری، هرمز (۱۳۷۶). *تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار*، تاق بستان: کرمانشاه.
- ترکمان منشی، اسکندربیک (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*، مصحح ایرج افشار، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، تهران: عطار.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۷۲). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*، ترجمه کاوه بیات، انتشارات پروین و معین.
- سنجابی، علی اکبرخان (۱۳۹۳). *ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران (خاطرات علی اکبرخان سردار مقتدر سنجابی)*، به تحریر و تحشیه کریم سنجابی، تهران: پردیس دانش.
- سیف، احمد (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۳، ۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، با مقدمه عبدالحسین نوایی، ج ۱، ۳ و ۴، تهران: مؤلف.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۶۸). *سیمای احمدشاه قاجار*، تهران: گفتار.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- عیسوی، چالز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه، ۱۳۳۳-۱۲۱۵هـ.ق.)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فرمانفرما، فیروز میرزا (۱۳۷۷). *نامه های حکومتی فیروز میرزا فرمانفرما*، تصحیح فتح الله کشاورز، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- فرمانفرمایان، ستاره (۱۳۷۷). *دختری از ایران*، تهران: کارنگ.
- فرمانفرمایان، منوچهر، فرمانفرمایان، مریم (۱۳۷۷). *خون و نفت*، تهران: ققنوس.

اجحاف آمیزی قرار گرفت، زیرا دولت جدید نوسازی های گسترده ای در بخش های مختلف نظامی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی آغاز کرده بود و برای پیشبرد این اصلاحات نیاز به تأمین بودجه از مالکینی همچون فتح السلطان داشت. از نظر نظامی هم آن چنان قدرتمند بود که هرگاه اراده می کرد می توانست بدهی مالیاتی را وصول و یا حتی املاک فتح السلطان را به جای مالیات مصادره کند. بنابراین فتح السلطان در برابر وزارت مالیه حکومت پهلوی تسلیم بود و با وجود غرض ورزی های مسئولان محلی سنقر با وی، فقط با ارسال نامه درخواست تخفیف مالیاتی داشت.

فرمانفرما شرایط متفاوتی با فتح السلطان داشت؛ او که خود یکی از ارکان حکومت قاجار بود، در این دوره از حمایت شاهان قاجار برخوردار بود و همواره از تخفیف های مالیاتی بهره مند می شد، ولی در دولت رضاشاه نه تنها از تخفیف مالیاتی برخوردار نشد، بلکه طبق اسناد بررسی شده، از اجحافات مالیاتی هم شکایت داشت. این شرایط فرمانفرما تابع سه عامل زیر بود: اول اینکه او نیز مانند فتح السلطان و دیگر زمینداران بزرگ مؤظف بود با پرداخت مالیات اراضی خود بودجه اصلاحات گسترده رضاشاه را فراهم آورد. دوم رضاشاه تلاش داشت با فشار بر خوانین متنفذ قاجاری از نفوذ محلی و منطقه ای آن ها در جهت تقویت قدرت مرکزی بکاهد، فرمانفرما هم با توجه به پیشینه ای که داشت در این حوزه قرار می گرفت. سوم طمع شخصی رضاشاه به اراضی و زمین های حاصلخیز فرمانفرما بود که قصد داشت این املاک را به ثمن بخش به دست آورد.

منابع

اسناد

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، (استادوخ)، سند شماره ۱-۲۴-۱۳۳۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵ الف پ ۵ الف.
- ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱.
- ساکما، شماره ردیف ۲۹۳۰۰۱۸۳۸، محل در آرشیو ۲۸۳۳ پ ۲.
- ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۰۲۹۳، محل در آرشیو ۱۶۱۰ آ ۱۲.
- ساکما، همدان، شماره ردیف ۲۳۰۰۰۲۳۲۵.
- ساکما، همدان، شماره ردیف ۲۴۰۰۰۲۱۰۶۱.
- ساکما، شناسه سند ۲۳۰/۳۱۷۴.
- ساکما، شناسه سند ۲۴۰/۲۶۴۰۱.
- ساکما، شناسه سند ۲۳۰/۳۱۷۴.
- ساکما، شناسه سند ۲۳۰/۲۱۰۴، شماره فیش ۰۰۶۲۰۰۰۱.

مقالات

آقاگل‌زاده، فردوس، داوری، حسین (۱۳۸۴). «واژگان معرب فارسی در فرهنگ ریشه‌شناختی آکسفورد». *دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره پنجم، صص ۱۴۷-۱۵۸.

اتحادیه، منصوره و مریم کاشف‌نیا (۱۳۹۲). «اسناد عبدالحسین فرمانفرما»، *مجله پیام بهارستان*، شماره ۱، صص ۴۰۵-۴۳۱.

الهیاری، فریدون و دیگران (۱۳۹۵). «بررسی مواضع بازاریان تبریز در قبال سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی اول با تکیه بر اسناد (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)». *مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال هفتم، شماره ۱۳.

بیانی، بهمن (۱۳۸۸). «بدهی سپهدار اعظم تنکابنی به دولت». *پیام بهارستان*، شماره ۶.

تبریزنیا تبریزی، مجتبی (۱۳۸۲). «عبدالحسین میرزا فرمانفرما». *مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۷۵، صص ۲۰۱-۲۰۲.

علم، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳). «برنامه تجدد و نوسازی ایران در عصر رضاشاه پهلوی». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول.

شمس، مهتری «گزارشی از وضعیت مالیات خراسان در ۱۳۲۹هـ ق (با تکیه بر مالیات اصناف)». *مجله گنجینه اسناد*، صص ۵۲-۶۴.

کریمی، شایان، رحمانیان، داریوش (۱۳۹۸). «مالکیت اختصاصی در کرمانشاه (پهلوی اول)». *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، سال هشتم، شماره اول، صص ۹۱-۱۰۴.

فیروز، مریم (۱۳۷۳). *خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمایان)*، تهران: اطلاعات.

لمبتون، آن (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.

کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۵۷). *تاریخ بیداری ایرانیان*، تصحیح علی‌اکبر سعیدی، ج ۲، تهران: فرهنگ ایران.

کسروی، احمد (۱۳۵۳). *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر. کرونین، استفانی (۱۳۸۳). *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.

گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاهان (۱۳۸۵). به کوشش رضا آذری شهررضایی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

مکی، حسین (۱۳۶۲). *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۶، تهران: نشر ناشر. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من*، تهران: زوار.

مجد، محمدقلی (۱۳۸۷). *قحطی بزرگ (۱۲۹۶-۱۲۹۸)*، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

میلسپو، آرتور و دیگران (۱۳۹۶). *وضعیت مالی و اقتصادی ایران در دوره رضا شاه (مجموعه گزارشات)*، ترجمه شهرام غلامی، تهران: تاریخ ایران.

مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۷۹). *تاریخ مردوخ*، تهران: کارنگ. _____ (۱۳۶۴). *مشاهیر کرد*، جلد ۲، تهران: سروش.

مجموعه اسناد عبدالحسین فرمانفرما ۱۳۲۵-۱۳۴۰ ق (۱۳۶۲). تصحیح منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، ج ۱، تهران: تاریخ ایران.

نامی، میرزا محمدصادق (۱۳۶۸). *تاریخ گیتی‌گشای*، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال.

یادداشت‌های محمدولی خان تنکابنی به دولت (۱۳۷۸). به کوشش اللهیار خلعتبری، فضل‌الله ایرجی، با مقدمه رضا شعبانی، تهران: دانشگاه بهشتی.

۳۱ ۱۲ / ۲۱

عبدالحسین
فرمان فرمائیان
نمره ۵۵۵۸

تاریخ ۵ شهریور ۱۳۰۳

اداره محترم عیادت و صل - وایه مخمری

مر اهل محترم نوزده ۳۱ اردیبهشت ۱۳۰۳ (۲۲۹۶۸) راجع به تقدیر لایات املاک تصرف شده لایات نجیب فرزند اول و دوم
 شده است (تصدیق قانون مخمری عمومی وزارت مالیه بخواند اقدام به تقدیر لایات املاک کرده است) اینک به جهت
 و معلوم است که در این باب در مقام وزارت عدلیه در غالب املاک خصوصاً املاک نجیب و جوان در بعضی
 مخالفت و حالاً که مرهم فرموده (تصدیق قانون مخمری) بنا بر این دلیل پس مخمری آنکه در جوان است
 تسلط شود - تقاضای رایج که مخمری شده و با تبتی گرفت گرفته شده چون است با تبتی چه که در
 تقاضای تصدیق در این است - تقاضای اولم چون لایات املاک تصرف شده لایات نجیب و جوان که در
 تقدیر شده این رایج مخمری نموده عیادت در وقت در این که پس از این روند چه از این بعد از
 با نجیب مخمری شده که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۳ که در املاک تصرف شده لایات نجیب و جوان
 که اکنون مخمری رایج مخمری است و تقاضای رایج مخمری است - چنانچه این وقت در این وقت در این وقت
 حقیقت دارد که احدی لایات رایج ربه نیز با املاک مخمری شده است

دارای
مخمری
تصدیق
رایج
مخمری

۵۷۵۴
۳۱ / ۱۲ / ۲۱



Kermanshah, le 191

Ind: N°	شماره	شماره	توضیحات
۵۲۷۳۲,۲۰	۵۱۷۳۲,۳۰	۲۴۹۲۱,۱۵	مبلغ واقعی مع ۱ بطن در از وضع ۳ بطن
۱۲۲۵۴,-	۱۲۱۵۲,۲۰	۲۰۸۲۶,۲۰	مبلغ مع ۱ بطن در از وضع ۳ بطن
۳۲۰۷۹,۲۰	۳۵۵۸۰,۱۰	۴۴۱۳۵,۶۵	تفاوت
۵۲۷۳۲,۲۰	۵۱۷۳۲,۳۰	۲۴۹۲۱,۱۵	مبلغ واقعی مع ۱ بطن
۳۹۵۱۷,۳۰	۳۹۰۸۷,۳۰	۴۸۴۲۴,۱۵	مبلغ مع ۱ بطن در از وضع ۳ بطن
۱۳۱۴۵,-	۱۲۶۴۵,-	۱۲۵۳۷,-	تفاوت
۳۹۵۱۷,۳۰	۳۹۰۸۷,۳۰	۴۸۴۲۴,۱۵	مع ۱ بطن در از وضع ۳ بطن
۱۲۲۵۴,-	۱۲۱۵۲,۲۰	۲۰۸۲۶,۲۰	مع ۱ بطن در از وضع ۳ بطن
۲۲۹۳۴,۳۰	۲۲۹۳۵,۱۰	۲۷۵۹۹,۶۵	تفاوت

پرویشگاه علوم انسانی و فلسفه
 برپسین در برعصیر اهرام
 ۱۳۳۳
 ۲۲/۷/۱۰۲
 برتال جامع علوم انسانی

۹۳

فرمان فرما
 شماره ۱۹۹۷۵
 تاریخ ۱۳۰۴
 اداره محترم مرادیهات دخیل - ایالت قم
 در موضوع رسیدگی به درخواست تجدید نظر در خصوص
 که پس از معاینه مدارک و احکامه قبضه رای نخست با موزن پایه درایت گند - بعد از
 تحقیقات تفیضات محلی بمرکز و معلوم شد که اینجانب را بدون وجه پایه ای که گفته است
 تقاضای کمی که پس از بررسی مدارک گفته در ذرات ایالت چو کاشانه اطلاق شده است
 و ملاک میزان با ذریع محوب فرزند تاکنون در ذیباب جوانی رسیده است
 در مصوبه مرادیهات محلی عدم تقاضای دلیلی که مبلغ مذکور در پایه بهر آن رقم فریبند
 که در ذرات محلی با موزن پایه محوب در ذرات
 اینجانب را که مسلم و موثر شده که چهارم فرخ حریفی پایه بهر آن در ذرات محلی که گفته است
 و مدارک آن ترک کرد - مدارک پایه در ذرات که بهر در ذرات محلی در ذرات محلی
 و در ذرات محلی بجای خود و در ذرات و در ذرات محلی در ذرات محلی در ذرات محلی
 و در ذرات محلی در ذرات محلی در ذرات محلی در ذرات محلی در ذرات محلی

پرتال جامع علوم انسانی

فرمان فرما

فرمان ۳۶۳

تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۲۳

اداره محترم مالیات و عوارض - پایتخت

در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۲۳ درج در دفتر بوسه ترقی مذکور در دم - تاکنون جواب داده نشده - این نسبت را که
 علی حده بجهت ترقی درجه که در ظرف دوره گذشته در آن با دو دسته از اعیان و املاک - که در دفتر مالیات و عوارض
 درجه اول قرار آن بیت و سکه توان بوسیله بسم کوشن نویسنده و مستقر آن بیت در وقت سابق بوده - بنظر
 تاریخ فوق مشخص توضیح دادم و در خصوص آن بجهت مذکور در دم - که درجه اول است نقدی که بجا آورده می شود
 در این خصوص که بجهت مذکور در آن مدت دادم و در دفتر با اداره محترم مالیات و عوارض - سابقاً در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۲۳
 در خصوص آن بیت و سکه توان بوسیله بسم کوشن نویسنده - و دیگر این مستقر آن بسم کوشن
 اندکی چه باشد که تا آنکه بکشند - این نسبت را که در دفتر مالیات و عوارض مذکور در دم - بنظر
 که تمیزی و نظمی در آن کار شده است - پس این صفت را که در دفتر مالیات و عوارض مذکور در آن بیت و سکه توان
 تمامه بسم کوشن در آن وقت و آنکه که در دفتر مالیات و عوارض مذکور در آن بیت و سکه توان
 وقت بقیه این نسبت را در بسم کوشن مذکور در آن بیت و سکه توان
 در خصوص آن بیت و سکه توان در دفتر مالیات و عوارض مذکور در آن بیت و سکه توان
 بسم کوشن در دفتر مالیات و عوارض مذکور در آن بیت و سکه توان
 ما مقصد از بنام و کوشن

داده و صادر
 در ۲۲ شهریور ۱۳۲۳
 در ۲۲ شهریور ۱۳۲۳
 در ۲۲ شهریور ۱۳۲۳



